

داوری جدال‌های معرفت‌شناختی

محمدرضا بهاری

شناسایی پژوهشی

■ عنوان تحقیق: داوری جدال‌های معرفت‌شناختی

■ پژوهشکده: حکمت و دین‌پژوهی

■ گروه علمی: معرفت‌شناسی

■ محقق: حجت‌الاسلام محمدرضا بهاری

■ ارزیابان علمی: حجج‌الاسلام عبدالحسین خسروپناه و دکتر ابوالحسن غفاری

■ موضوع اصلی: فلسفه اسلامی

■ موضوع فرعی: معرفت‌شناسی

■ مدت انجام تحقیق: ۴ سال



داوری جدال‌های معرفت‌شناختی

محمدرضا بهاری

ناشر: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

چاپ اول: ۱۳۹۳

شمارگان: ۱۰۰۰

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

طراح جلد: سیدایمان نوری نجفی

چاپ و صحافی: مجاب

سرشناسه: بهاری، محمدرضا، ۱۳۵۲-

عنوان و نام پدیدآور: داوری جدال‌های معرفت‌شناختی/محمدرضا بهاری

مشخصات نشر: تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ۱۲ص.

شابک: ۲ - ۲۴۱ - ۱۰۸ - ۶۰۰ - ۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه.

یادداشت: نمایه.

موضوع: شناخت (فلسفه اسلامی).

شناسه افزوده: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۳ / ۵۵ / ۵۵ BBR

رده‌بندی دیویی: ۱۸۹/۱

شماره کتابشناسی ملی: ۳۲۵۲۶۲۵

تقاطع بزرگراه شهید مدرس و خیابان شهید بهشتی، پلاک ۵۶

تلفن: ۸۸۵-۵۴۰۲ - ۸۸۵-۳۳۴۱

www.poiict.ir

همه حقوق محفوظ است

فهرست

پیش‌گفتا	۱۵
مقدمه	۱۹
پیشینه تحقیق	۲۰
هدف تحقیق	۲۳
روش تحقیق	۲۳
فرضیه تحقیق	۲۵
نوآوری و نقدهای تحقیق	۲۵
ساختار تحقیق	۲۶
تشکر و قدردانی	۲۷
فصل اول: مفهوم شناسی	۲۹
مبحث اول معرفت‌شناسی	
مبحث دوم معرفت‌شناسی اسلامی	
مبحث سوم جدال‌های معرفت‌شناسی	
مبحث چهارم گونه‌های معرفت‌شناسی مسلمانان	۳۹
گفتار اول: معرفت‌شناسی فلسفه مشاء	۳۹
گفتار دوم: معرفت‌شناسی حکمت اشراق	۴۳
گفتار سوم: معرفت‌شناسی حکمت متعالیه	۴۶

۵۳.....	مبحث پنجم منتقدان مسلمان.....
۵۳.....	گفتار اول: معرفت‌شناسی اهل حدیث.....
۵۴.....	الف) بخش عقاید.....
۵۷.....	ب) بخش تفسیر.....
۵۸.....	ج) بخش احکام.....
۵۸.....	گفتار دوم: معرفت‌شناسی اشاعره.....
۵۹.....	گفتار سوم: معرفت‌شناسی اخباری‌ها.....
۶۲.....	گفتار چهارم: معرفت‌شناسی نحویین.....
۶۴.....	گفتار پنجم: معرفت‌شناسی عرفا.....
۷۰.....	گفتار ششم: معرفت‌شناسی مکتب تفکیک.....
۷۵.....	فصل دوم: ارزیابی انتقادات به چیستی معرفت حقیقی.....
۷۷.....	مبحث اول چیستی معرفت حقیقی نزد فلاسفه.....
۸۴.....	گفتار اول: بررسی نگاه فلاسفه.....
۸۴.....	الف) نقاط قوت رویکرد فلاسفه.....
۸۷.....	ب) نقاط ضعف رویکرد فلاسفه.....
۸۷.....	۱. اشکالات مبنایی.....
۹۰.....	۲. اشکالات بنایی.....
۹۱.....	مبحث دوم مکتب تفکیک.....
۹۱.....	گفتار اول: انتقاد مکتب تفکیک.....
۹۸.....	گفتار دوم: بررسی دیدگاه مکتب تفکیک.....
۹۸.....	الف) نقاط قوت رویکرد مکتب تفکیک.....
۹۸.....	ب) نقاط ضعف رویکرد مکتب تفکیک.....
۹۸.....	۱. اشکالات مبنایی.....
۱۰۰.....	۲. اشکالات بنایی.....
۱۰۰.....	۱-۱. اشکال اول.....
۱۰۱.....	۱-۲. اشکال دوم.....

۱۰۱	۱-۳. اشکال سوم
۱۰۳	۱-۴. اشکال چهارم
۱۰۴	۱-۵. اشکال پنجم
۱۰۶	(ج) نقد و بررسی
۱۱۱	مبحث سوم مقایسه دو دیدگاه
۱۱۱	گفتار اول: نقاط اشتراک
۱۱۳	گفتار دوم: نقاط افتراق
۱۱۷	بررسی
۱۲۵	فصل سوم: ارزیابی انتقادات به تقسیمات علم
۱۲۷	مبحث اول: انتقاد به تقسیمات ثنائی علم نزد فلاسفه
۱۲۷	گفتار اول: سر فلاسفه در تقسیم علم، به حضوری و حصولی
۱۳۸	گفتار دوم: انتقاد مکتب تفکیک در تقسیم علم، به حضوری و حصولی
۱۳۹	(الف) پاسخ نقضی
۱۳۹	(ب) پاسخ حلی
۱۴۰	۱. تجرد تام عقلی نفس
۱۴۱	۲. اتحاد علم، عالم و معلوم
۱۴۷	مبحث دوم انتقاد به تقسیم علم حصولی به تصور و تدبیر
۱۴۷	گفتار اول: نظر فلاسفه
۱۵۰	گفتار دوم: انتقاد اهل حدیث
۱۵۰	گفتار سوم: نقد و بررسی
۱۵۵	مبحث سوم انتقاد از تقسیم تصورات و تصدیقات به بدیهی و نظری
۱۵۵	گفتار اول: نظر فلاسفه
۱۵۹	گفتار دوم: انتقاد اهل حدیث
۱۶۰	گفتار سوم: نقد و بررسی
۱۶۲	دلوری

فصل چهارم: ارزیابی انتقادات به فرایند درک در فلسفه..... ۱۶۵

- مبحث اول فرایند درک در فلسفه..... ۱۶۷
- گفتار اول: فرایند ادراک در نظر فلاسفه مشاء..... ۱۶۷
- گفتار دوم: فرایند ادراک در نظر اشراقیون..... ۱۶۹
- گفتار سوم: فرایند درک در حکمت متعالیه..... ۱۷۲
- الف) صورت ادراک حسی..... ۱۷۳
- ب) صورت ادراک خیالی..... ۱۷۳
- ج) صورت ادراک عقلی..... ۱۷۴
- مبحث دوم: انتقاد مکتب تفکیک به فرایند درک در فلسفه..... ۱۷۷
- گفتار اول: انتقاد فلسفه ارسطو به فرایند درک..... ۱۸۰
- گفتار دوم: نقد فیلسوفان و اجداد نور علم و عقل..... ۱۸۲
- گفتار سوم: آثار و پیوندهای نظر ایشان در مقایسه با آیات و روایات..... ۱۸۳
- گفتار چهارم: نقد تالیفات ارسطو و دیگر خطاب‌های قرآنی..... ۱۸۴
- گفتار پنجم: واکنش در فلسفه و نقد تعقل در قرآن..... ۱۸۵
- مبحث سوم انتقاد اشاعره به فرایند درک در فلسفه..... ۱۸۷
- داوری..... ۱۸۹

فصل پنجم: ارزیابی انتقادات به امکان معرفت حقیقی در فلسفه..... ۱۹۳

- مبحث اول امکان معرفت حقیقی در فلسفه..... ۱۹۵
- گفتار اول: انتقاد اشاعره..... ۲۰۱
- گفتار دوم: انتقاد ظاهرگرایان..... ۲۰۵
- گفتار سوم: انتقاد مکتب تفکیک..... ۲۱۲
- گفتار چهارم: انتقاد عرفا..... ۲۱۳
- مبحث دوم امکان معرفت حقیقی در آیات و روایات..... ۲۱۷
- داوری..... ۲۲۰

فصل ششم: ارزیابی انتقادات به منابع معرفت..... ۲۲۵

مبحث اول عقل.....	۲۲۷
گفتار اول: جوشش بدیهیات از عقل نظری.....	۲۲۸
الف) نسبی اضافی بودن بدیهیات.....	۲۳۱
ب) داوری.....	۲۳۳
گفتار دوم: جوشش های عقل عملی.....	۲۳۵
مقصود از ذاتی بودن حسن و قبح چیست؟.....	۲۳۹
الف) اشکال اشاعره.....	۲۳۹
ب) اشکال اخباریین.....	۲۴۳
ج) اشکال و پاسخ.....	۲۴۳
۲. اشکال و پاسخ.....	۲۴۳
گفتار سوم: دلیل ذاتی بودن حسن و قبح اعمال از نظر متکلمان.....	۲۴۴
الف) ادله شیعه.....	۲۴۴
ب) ادله اهل حدیث.....	۲۴۶
ج) داوری.....	۲۴۹
گفتار چهارم: معرفت زایی حصولی عقل.....	۲۵۰
الف) معرفت زایی عقل در ادراک تصورات «قول» و «کارات».....	۲۵۰
۱. درک کلی در نظر فلاسفه مشاء.....	۲۵۰
۲. درک کلی در نظر اشراقیون.....	۲۵۱
۳. درک کلی در نظر حکمت متعالیه.....	۲۵۲
۴. درک کلی در نظر ابن تیمیه.....	۲۵۴
ب) داوری.....	
گفتار پنجم: پردازش فکری.....	۲۵۴
الف) نظر فلاسفه.....	۲۵۸
ب) انتقاد اشاعره.....	۲۵۹
ج) نقد مکتب تفکیک.....	۲۵۹
هـ) داوری.....	۲۶۰

۲۶۱	مبحث دوم حس
۲۶۱	گفتار اول: مکاتب فلسفی
۲۶۱	الف) فلسفه مشاء
۲۶۲	ب) حکمت اشراق
۲۶۳	ج) حکمت متعالیه
۲۶۶	گفتار دوم: مخالفان فلسفه
۲۶۶	الف) اهل حدیث
۲۶۶	ب) اخباری‌ها
۲۶۷	ج) داوری
۲۷۱	مبحث سوم: معرفت اشراقی
۲۷۱	گفتار اول: تبیین معرفت اشراقی
۲۷۲	گفتار دوم: مخاللات برده بر معرفت اشراقی و پاسخ
۲۷۲	الف) معرفت زاهدان و سنیان
۲۷۳	ب) منبع معرفت نبوی نفس
۲۷۷	داوری
۲۸۱	فصل هفتم: ارزیابی انتقادات درباره ابزار معرفت
۲۸۳	مبحث اول نظر فلاسفه
۲۸۳	گفتار اول: فلسفه مشاء
۲۸۸	گفتار دوم: حکمت اشراق
۲۹۴	گفتار سوم: حکمت متعالیه
۲۹۷	مبحث دوم بررسی انتقاد منتقدان
۲۹۷	گفتار اول: انتقاد نحویین
۲۹۷	الف) انتقادهای سیرافی
۲۹۹	۱. ابزار نبودن منطق
۳۰۰	۲. عدم توان دستیابی به معرفت از سوی منطق
۳۰۲	۳. نقد کارکرد منطق در اختلاف‌زدایی

۴. منطق ابزاری برای قشری خاص ۳۰۴
۵. منطق، صرفاً، ابزاری برای زبان یونانی ۳۰۵
- ب) انتقاد سیوطی ۳۰۸
- گفتار دوم: انتقاد اشاعره ۳۰۹
- الف) انتقاد متقدمین ۳۰۹
- ب) انتقاد غزالی ۳۱۰
- گفتار سوم: انتقاد عرفا ۳۱۳
- ج) انتقاد اهل حدیث ۳۲۰
- الف) نقد تعریف منطق ۳۲۱
- ب) نقد مبانی ۳۲۴
۱. آثار معرفتی منطقی ۳۲۴
۲. تناقض‌های درونی منطقی ۳۲۵
۳. نقد صورت حد منطقی ۳۲۷
۴. نقد مواد حد منطقی ۳۲۸
- ج) نقد قیاس منطقی ۳۲۸
۱. نقد نیاز به قیاس منطقی ۳۲۸
۲. نقد آثار معرفتی قیاس منطقی ۳۳۱
۳. تناقض‌های درونی قیاس منطقی ۳۳۶
۴. نقد صورت قیاس منطقی ۳۳۷
۵. نقد مواد قیاس منطقی ۳۳۹
- د) نقد استقرا ۳۳۹
- ارزیابی ۳۳۹
- هـ) تمثیل در نظر ابن‌تیمیه ۳۴۱
- ارزیابی ۳۴۵
- و) ابزار مورد نظر قرآن در اعتقاد ابن‌تیمیه ۳۴۵
- ز) ابزار عقلی انبیا در استدلال از نظر ابن‌تیمیه ۳۴۷

- گفتار پنجم: انتقاد اخباری‌ها ۳۴۷
- ارزیابی ۳۵۰
- گفتار ششم: انتقاد مکتب تفکیک ۳۵۴
- الف) نقد فرایند تعقل منطقی ۳۵۴
- ب) عقل در حقیقت مُدرک جزئیات است، برخلاف عقل منطقی ۳۵۶
- ج) باطل بودن بدیهیات تصویری و تصدیقی منطقی ۳۵۷
- د) باطل بودن قیاس منطقی ۳۵۹
- مخالفت علمای شیعه با روش اهل منطق ۳۶۲
- و) انزاد نبودن منطق برای کشف امور دینی ۳۶۳
- تأسیس بزار معرفت در علوم الهی و فلسفه ۳۶۵
- دلیل ۳۶۶
- فصل هشتم: ارزیابی انتقادات به کارکرد معرفت فلسفی ۳۷۱**
- مبحث اول نظریات فلسفی در خصوص کارکردهای معرفت فلسفی ۳۷۳
- گفتار اول: نظر فلاسفه ۳۷۳
- گفتار دوم: نظر متکلمین شیعه ۳۷۸
- الف) روش متخذ از معصومین و صحابه ائمه ۳۷۸
- ب) روش مبتنی بر کارکردهای عقل در فلسفه ۳۷۹
- گفتار سوم: نظر اصولیین شیعه ۳۸۰
- مبحث دوم انتقادات در خصوص کارکردهای معرفت فلسفی ۳۹۱
- گفتار اول: انتقاد اشاعره ۳۹۱
- الف) دلیل حدوث ۳۹۱
- ب) دلیل واجب و ممکن ۳۹۲
- گفتار سوم: انتقاد اهل حدیث ۳۹۴
- گفتار چهارم: انتقاد اخباری‌ها ۴۰۲
- گفتار پنجم: انتقاد عرفا ۴۰۹
- گفتار ششم: انتقاد مکتب تفکیک ۴۱۱

مبحث سوم کارکرد عقل از نظر آیات و روایات..... ۴۱۹

داوری..... ۴۲۴

فصل نهم: ارزیابی انتقادات به ارزش معرفت فلسفی..... ۴۳۳

مبحث اول نظریه مطابقت..... ۴۳۵

گفتار اول: نظر فلاسفه..... ۴۳۵

گفتار دوم: انتقادات وارده بر نظریه مطابقت..... ۴۳۷

(الف) انتقادات اهل حدیث..... ۴۳۷

(ب) مذات برخی از اشاعره..... ۴۳۹

انتقادات سایرین..... ۴۴۰

(د) مکتب تفکیک..... ۴۴۱

گفتار سوم: ارزش معرفت‌شناختی معرفت در آیات و روایات..... ۴۴۳

داوری..... ۴۴۵

مبحث دوم معیار کشف معرفت با واقعیت..... ۴۴۹

گفتار اول: نظر فلاسفه..... ۴۴۹

گفتار دوم: انتقادات وارده بر معیار کشف مطابقت واقع..... ۴۴۹

(الف) انتقادات اهل حدیث..... ۴۴۹

(ب) انتقادات مکتب تفکیک..... ۴۵۱

گفتار سوم: معیار معرفت‌شناختی معرفت در آیات و روایات..... ۴۵۱

داوری..... ۴۵۲

فصل دهم: ارزیابی انتقادات به شرایط و موانع معرفت..... ۴۵۴

مبحث اول نظر فلاسفه..... ۴۵۴

نظر فلاسفه درباره عوامل و موانع معرفت عقلی فلسفی..... ۴۵۷

مبحث دوم انتقادات..... ۴۶۱

گفتار اول: انتقاد مکتب تفکیک..... ۴۶۱

گفتار دوم: انتقاد اهل حدیث..... ۴۶۳

- ۴۶۴ گفتار سوم: انتقادات اخباری‌ها
- ۴۶۵ گفتار چهارم: انتقاد اهل عرفان
- ۴۶۷ داوری
- ۴۷۱ نتیجه‌گیری
- ۴۷۹ کتابنامه
- ۴۹۷ فهرست آیات
- ۵۰۱ فهرست روایات
- ۵۰۳ نمایه
- ۵۰۹ موضوعی

پیشگفتار

در پرتو پیروزی انقلاب و کوهمند اسلامی و استقرار نظامی بر اساس ارزش‌های معنوی و احکام الهی، ایران نیاز دیگر تفکر دینی، به‌عنوان اندیشه‌ای امیدزا، حیاتبخش و مترقی، در عرصه حیات انسان معاصر ظاهر گردید.

تجدید حیات اندیشه و حلالی ارزش‌های معنوی، از سویی سبب بیداری و خودباوری ملت‌های مسلمان و خیای و احساس هم‌ستیزی در آنان شد و از دیگر سو، باعث نمایان‌تر شدن سست‌پایگی مساجد و مکاتب بشری و نظام‌های استوار بر آنها گردید.

بایستگی تحقیق دقیق، جامع و منسجم، پیرامون مسائل و مسائلی که در اندیشه دینی و نظام‌های اجتماعی مبتنی بر آن و ضرورت پرداختن علمی و روزآمد به حوادث واقعه فکری، به فراخور شرایط کنونی و درخور این عصر عظیم، و نیز لزوم آسیب‌شناسی در حوزه فرهنگ ملی و باورداشت‌های دینی، به‌طور تبیین عرضه صحیح و دفاع معقول از اندیشه دینی و زدودن پیرایه‌های غلط و موهون از ساحت قدسی دین، و صیانت از هویت فرهنگی و سلامت فکری و اقشار تحصیل‌کرده و نسل جوان کشور، تأسیس نهاد علمی - پژوهشی و آموزشی کارآمدی را فرض می‌نمود.

بدین منظور، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، که نهادی علمی است، در سال ۱۳۷۳ تأسیس شد.

این پژوهشگاه، در قالب چهار پژوهشکده حکمت و دین‌پژوهی، پژوهشکده نظام‌های اسلامی، پژوهشکده فرهنگ و مطالعات اجتماعی، پژوهشکده دانشنامه‌نگاری دینی و همچنین مرکز پژوهش‌های جوان فعالیت می‌کند.

پژوهشکده حکمت و دین‌پژوهی، مشتمل بر شش گروه علمی با عنوان‌های «عرفت‌شناسی»، «فلسفه» و «عرفان»، «قرآن‌پژوهی»، «کلام و دین‌پژوهی» و «منطق فهم دین» می‌باشد که در جهت تحقق اهداف زیر فعالیت می‌نماید:

۱. بازپژوهی و بازپیرایی حکمت، کلام و معارف اسلامی؛

۲. تبیین سامانندی مناسب مباحث زیرساختی اندیشه دینی؛

۳. ارتقاء بستر مناسب برای تعمق و پویایی و بالندگی اندیشه دینی؛

۴. بسط و تثبیت القای در قلمرو عقاید و کلام اسلامی؛

۵. نقد مباحث و دیدگاه‌های معارض در حوزه زیرساخت‌های اندیشه دینی.

در راستای تحقق اهداف فوق، هریک از گروه‌ها، پس از تهیه عنوان‌های مطالعاتی اساسی و اولویت‌های تهیه پیش‌طرح و تصویب آن در شورای علمی گروه، آن را به اعضای هیئت علمی خود و یا محققان عرصه دین‌پژوهی، واگذار نموده و با نظارت بر روند اجرای تحقیق و تأیید نهایی، جهت دسترسی عموم دانش‌پژوهان حوزه دین‌پژوهی، آن را چاپ و نشر می‌رسانند.

از گذشته تا کنون، عده‌ای بنا به دلایل مختلف فیلسوفان مسلمان را نقد کرده و گاه آنان را به جرم اشاعه افکار انحرافی تکیه می‌کردند و در مقابل فلاسفه نیز گاهی به تحمیق منتقدان مبادرت می‌نمودند. اما این واضح است که راه حل مشکل در جایی دیگر است برای نیل به نظام معرفت‌شناسی اسلامی بر اساس مبانی درست، نه تنها تخریب و آثار منفی تنازع باید از میان برداشته بلکه باید تنازع را به تضارب آرا تبدیل نمود و از این رهگذر، بیشترین بهره را برد. به جای اینکه نحله‌های فکری از سر تعصب بیجا در صدد تضعیف و سرمیدان خارج‌نمودن رقیب باشند، با اولویت‌دادن به کشف حقیقت دستگاه معرفت‌شناسی اسلامی، با پیروی از محاسن اخلاق کریمانه، به کشف حقیقت دستگاه معرفت‌شناسی اسلامی، با پیروی از محاسن اخلاق کریمانه، به نقد و

پاسخ مسائل و مبانی پردازند، تا از پس چنین رویه نیکو که مورد تأکید دین ما می‌باشد، تهدیدها به فرصت و چالش‌ها به قوت تبدیل شود.

کتاب پیش رو به تحلیل نقدهای کلامی منتقدان مسلمان به ساختار معرفت‌شناسی فیلسوفان مسلمان می‌پردازد تا بتواند از خلال تحلیل‌ها و تضارب آرا و همچنین با توجه به مبانی دینی در جهت انسجام ساختار آن و عمق بخشیدن به هویت دینی آن عمل نماید؛ تا بدین وسیله، راه را برای دستیابی به معرفت‌شناسی بایسته هموار نماید؛ یعنی دستگاه معرفتی کارآمدی که بتواند به سؤالات و مسائلی که از عقلی، تجربی، دینی و عقل موهبتی حضوری مؤثر است، به عبارت دیگر، فراگیر و روزآمد بوده و در ابواب خود، با معضلات جهان از ظرف منتقدان روبرو نباشد.

انتقادات قابل اعتنا در جهان مدرن میان انتقادات به معرفت‌شناسی اسلامی وجود دارد که یا باید به نقدهای کلی برای آنها تأمین نمود یا با تجدیدنظر در مبانی، معرفت‌شناسی کنونی را زیر تأثیر این انتقادات دور نماید؛ ولی به هر حال، توان انتقادها به حدی نیست که بسیاری کلی معرفت‌شناسی کنونی را ثابت کند؛ بلکه تنها، تجدیدنظر در برخی مبانی و مسائل را می‌طلبد.

تحقیق به لحاظ ساختاری، کتابخانه‌ای بود و مبحث آن تحلیلی با رویکرد انتقادی است؛ اما از جهت به تصویر کشیدن فضاهای انتقادات، معرفت‌شناسانه و داوری نقدها، ابتدا به نقدهایی توجه شده که از ماهیت علمی بالایی برخوردار بوده یا اینکه مورد حمایت تابعان آ» باشد. آن‌گاه به نقدهای فلسفه در موضوع مورد نقد، بیان می‌شود و در ادامه، مبانی و استدلال‌های انتقادات و بررسی می‌شود، در نهایت، با بررسی مبانی دو طرف و طرح نقاط ضعف و قوت آنها، بین ایشان داوری صورت می‌پذیرد.

پژوهش حاضر، بر اساس فرایند پژوهشی پژوهشگاه و در راستای اهداف پژوهشکده و به قلم محقق ارجمند، جناب آقای حجت‌الاسلام محمدرضا بهاری در گروه فلسفه تألیف شده است و در زمستان ۱۳۹۰ در شورای علمی گروه فلسفه به تصویب رسید.

در پایان، از همه اعضای شورای علمی گروه فلسفه و ارزیابان محترم اثر، حجج اسلام آقایان عبدالحسین خسروپناه و دکتر ابوالحسن غفاری و مؤلف گرامی که با سعه صدر در تولید و بالندگی اثر تلاش کردند، قدردانی نموده و از استادان و صاحب‌نظران درخواست می‌شود تا با ارسال نظرها و پیشنهادهای سزنده خویش ما را یاری نمایند.

پژوهشکده حکمت و دین‌پژوهی

مقدمه

انسان به طور مریّی تشنه حقیقت است؛ اما بسیار پیش می‌آید که به دنبال سراب است، هرچند می‌داند که سراب وجود ندارد؛ پس چه معرفتی جان تشنه او را سیراب می‌کند؟ کدام مشربی او را از زلال حقیقت معرفت خواهد رساند؟ گاه برای یافتن جواب، به بازاری وارد می‌شود که فلاسفه و منتقدان ایشان صحنه‌گردان آن هستند و متاع متفاوت و متناقض می‌فروشند. فلسفه، معرفت عقلی را سودای آن کام تشنه می‌دانند، در مقابل، منتقدان با زیرهای متفاوت و متباین، معارف دینی را صرفاً، چنین می‌دانند. ایشان معتقدند هیچ‌یک را نمی‌تواند تشنه دینی را لایه سیم‌رغ کند؛ چراکه نه به آنجا راه دارد و نه لایه تشنه دینی را دارد.

از گذشته تا کنون، ایشان مبانی و مسائل یکدیگر را به صورت مستقل و چه در خلال مباحث خود، به شدت به باد انتقاد می‌گرفته‌اند، اما تا به جایی نمی‌رسید که فلاسفه، به تحمیق منتقدان، و منتقدان نیز به تکفیر فلاسفه دست می‌زدند؛ اما ناگفته پیداست که این راه حل چنین مشکلی نبوده است. حقیقت امر این است که برای دستیابی به دستگاه معرفت‌شناسی اسلامی، بر اساس مبانی درست، نه تنها تخریب و آثار منفی تنازع باید از بین برود؛ بلکه باید تنازع را به تضارب آرا تبدیل نمود و از این رهگذر، بیشترین بهره را برد. به جای اینکه نحله‌های فکری از سر تعصب بیجا در صدد تضعیف و از میدان خارج نمودن رقیب باشند، با اولویت‌دادن به کشف حقیقت دستگاه

معرفت‌شناسی اسلامی، با پیروی از محاسن اخلاق کریمانه، به نقد و پاسخ مسائل و مبانی بپردازند، تا از پس چنین رویه نیکو که مورد تأکید دین ما می‌باشد، تهدیدها به فرصت و چالش‌ها به قوت تبدیل گردد.

پیشینه تحقیق

با شروع نهضت ترجمه و ورود معارف فلسفی، اولین اسطکاک‌ها در برابر دیدگاه‌های اسحاق کندی صورت گرفت که باعث شد او در یک امر تطبیقی، نمای اسلام به معارف فلسفی ببخشد.

در منع حدیثی شیعه، روایاتی در منع تسری چنین افکاری در شرع به چشم می‌خورد. در اهل سنت، اشاعره در مقابل این روند فکری، به مخالفت پرداختند که میان *صارع الفلاسفه* شهرستانی و *تهافت الفلاسفه* غزالی اشاره نمود. اشاعره در معارف فلسفی، به حوزه دین مخالفت نمودند و روند روبه‌رشد اعتزال را به اهل سنت کشاندند.

در مقابل، فلاسفه مسلمان نیز از معارف فلسفی دست زدند که در این بین، می‌توان به کتاب *تهافت* *تهافت* ابن رشد اشاره کرد. تلاش‌های ابونصر فارابی، ابن سینا و اخوان الصفا، به معارف فلسفه رونق خاصی داد؛ اما در قرن هفتم، ابن تیمیه و شاگردش، ابن تیمیه، تمام همت خود را مصروف مهار و ریشه‌کن نمودن این روند نمودند. در اوج آثار ابن تیمیه می‌توان به کتاب‌های *دره تعارض العقل والنقل* و *الکامل فی المنطقیین* اشاره نمود؛ البته خارج از بحث اهل حدیث و در میان اشاعره، *الکامل فی المنطقیین* فخر رازی چالش‌های بسیاری برای فلاسفه به‌وجود آورد که بعدها فلاسفه با استفاده از اشکالات وی و تغییراتی در دیدگاه‌ها و مبانی خود، غزالی و افکار خود افزودند.

زمزمه‌های ورود مباحث استدلالی به افکار شیعه، از قرن سوم و توسط ابن عقیل و ابن جنید آغاز شد. مشهور است در دوران شروع فقه استدلالی، حسن بن ابی عقیل عمانی (ابن عقیل قرن سوم ه‍.ق) و محمد بن احمد بن جنید

(متوفی ۳۸۱ هـ) پای عقل را به عرصه فقه باز نمودند. بعد از این دو، ابو عبدالله محمد معروف به شیخ مفید (۳۳۶-۴۱۳ هـ) که فقه و اصول شیعه را برای اولین بار سروصورت داد، به احتمال قوی، ایشان اولین فقیه و مجتهد شیعه است که «حجیت دلیل عقل» را به صورت منظم مطرح کرد. با وجود این، حتی وی نیز عقل را به عنوان دلیل مستقل مورد توجه قرار نداد؛ بلکه آن را کمک دلیل، یا دلیل مؤید و معین معرفی کرد. شاگرد معروف شیخ مفید، علی بن حسن موسوی معروف به سید مرتضی علم الهدی (متوفی ۴۳۶ هـ)، نیز به استناد عقل و اولی با تفصیل بیشتر. وی در اثر معروف خود الذریعه الی اصول الشیعه علم اصول شیعه را توسعه داد و در مورد دلیل عقل بیش از استاد بررسی کرد.

توجه به کارکردهای فلسفه عقل در کلام شیعه توسط ابن قبه رازی در قرن سوم انعکاس پیدا نمود. راجع به نصیرالدین طوسی فیلسوف و ریاضی دان معروف، صاحب کتاب تجرید الاعتقاد و علامه حلی فقیه معروف و شارح تجرید الاعتقاد از متکلمان معروف قرن هفتم می باشند.

خواجه نصیرالدین طوسی که خود سیم و فیلسوفی متبحر است، با تألیف کتاب تجرید الاعتقاد، فلسفی ترین متن کلام را آفرید. پس از تجرید هر متکلمی - اعم از شیعه و سنی - که آمده است، این متن توجه داشته است. خواجه نصیرالدین تا حد زیادی، کلام را از سبک مشکل این قبل به سبک حکمت برهانی نزدیک کرد؛ ولی در دوره های بعد، «کلام» تریباً روش متقدمین خود را به کلی از دست داد، همه پیرو حکمت برهانی شدند و در حقیقت، «کلام» استقلال خود را در مقابل «فلسفه» از دست داد.

در مقابل روند روبه رشد فقه استدلالی و به تبع آن اجتهاد، تفکر اخباری گری رشد کرد. محمد امین استرآبادی، در کتاب فوائد المذنبه با صراحت بیشتری درباره دیدگاه اخباری ها چنین می گوید که هر آنچه را که بدان علم نداریم، تنها از طریق امامان و روایات ایشان باید به دست آوریم و هر آنچه را که از این راه کشف نکردیم، وظیفه ما در آن توقف است. مجتهد اگر در

احکام الهی اشتباه کند، نسبت دروغ به خدا داده است و امامان در این باره، امر به توقف کرده‌اند. او برای این نظر، ادله متعددی ذکر می‌کند. در مقابل نیز فقها و اصولیین در کتاب‌های اصولی، دیدگاه‌های ایشان را نقل و نقد نمودند.

در میان متأخرین که عقاید فلسفی به اوج خود رسیده بود، نهضت دیگری بخلاف آن شروع به رشد کرد که بعدها به اشتباه به مکتب تفکیک معروف شد. مکتب تفکیک در واقع، مکتبی است که می‌کوشد اعتقادات دینی را از خرافه‌ها و یاوه‌گویی‌های فلسفی و عرفانی، بپیراید. اهل تفکیک، از همه متفکران زمانه رفتند و با پایه‌گذاری مبانی جدید، تفسیر جدیدی از انسان، علم و تقابل الهی نمودند که بی‌سابقه بود. آنها به‌شدت، از درهم‌آمیزی مفهوم عقل و فلسفه پرهیز کردند. و فلسفه را حداکثر نوعی عقلانیت می‌شمارند. آنان به‌شدت، به معنای ملاصدرا شیرازی می‌تازند و روش او را موجب خلط روشی و شلای می‌دانند. عدم امکان انطباق و هماهنگی میان قرآن، عرفان و برهان، پایه نظریه ملاصدرا مهدی و شاگردان او به حساب می‌آید؛ برای نمونه، برخی از کتاب‌های ایشان در این زمینه، از این قرار است: *ابواب الهدی*، *صوالم العقلية*، *مصباح الهدی*، *جذبات و معرفة العوالم* تألیف میزرا مهدی اصفهانی و *معارف الهیة و تقریرات* تألیف شیخ محمود تولایی معروف به حلبی و *توحید الامة* تألیف میانجی و *تنبيه المبتدأ والمعاد* تألیف مرحوم آیت‌الله مروارید.

در نقد نظرات ایشان، کتاب‌ها و مقاله‌های متعددی نگاشته شده است که از این میان، می‌توان به کتاب آقای دکتر ارشادی‌نیا، *نقد و بررسی مکتب تفکیک* و مقاله دکتر موسی ملایری، «هویت مخدوش انسان در مکتب تفکیک» اشاره نمود. هم‌اکنون نیز بحث‌های بسیار جدی بین معتقدین به گروه‌های پیش‌گفته در نقد نظرات یکدیگر در جریان است. برخی آثار وجود دارد که از دو طرف، نظرات منتقدان و فلاسفه را تحلیل و بررسی کرده‌اند؛ مثل *نظرية المعرفة بين القرآن و الفلسفة* تألیف الدكتور راجع عبدالحمید الکردی، *نظرية المعرفة فی القرآن* تألیف غالب حسن، *ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام* تألیف دکتر دینانی،

قصه النزاع بین الدین والفلسفه تألیف توفیق الطویل، نزاع میان دین و فلسفه تألیف رضا سعادت و عارف و صوفی چه می‌گویند تألیف سید جواد تهرانی. اما این اثر در نظر دارد با جمع‌آوری دیدگاه‌های عمده و مهم دو طرف نزاع و مطابقت آنها با نظرهای منبعث از آیات و روایات، در همه ابواب معرفت‌شناسی، روشی جدید و طرحی نو در این بین، بنا بگذارد.

هفتم تحقیق

داوری و نقد فلسفی معرفت‌شناختی مسلمانان، به تحلیل نقدهای کلامی منتقدان مسلمان، ساختار معرفت‌شناسی فیلسوفان مسلمان می‌پردازد تا بتواند از پس تحلیلی و عیارت آرا و همچنین با توجه به مبانی دینی در جهت انسجام ساختار آن عمل و کشیدن به هویت دینی آن عمل نماید تا بدین وسیله، راه را برای دستیابی به معرفت‌شناسی بایسته، هموار نماید؛ یعنی دستگاه معرفتی کارآمدی که بتواند همه عرصه‌های لازم، اعم از عقلی، تجربی، دینی و عقل موهبتی را در بر گیرد؛ به عبارت دیگر، فراگیر و روزآمد بوده و در ابواب خود با سایر ابواب علمی از طرف منتقدان روبرو نباشد.

روش تحقیق

اما درباره اینکه چنین امر مهمی با چه روشی محقق شود، گفته می‌شود، روش تحقیق به لحاظ ساختاری، کتابخانه‌ای بوده و با توجه به آن تحلیلی با رویکرد انتقادی است؛ اما از جهت به تصویر کشیدن جایگاه و جایگاه معرفت‌شناسانه و داوری نقدها، ابتدا به نقدهایی توجه شده است که در این علم بالایی داشته یا اینکه مورد حمایت تابعان آن باشد. آن‌گاه، نظر به مسائل در موضوع مورد نقد، بیان می‌شود و در ادامه، مبانی و استدلال‌های منتقد بررسی می‌شود، در نهایت، با بررسی مبانی دو طرف و طرح نقاط ضعف و قوت آنها، بین ایشان داوری می‌شود.

ناگفته نماند نقدها و آرایایی بررسی می‌شود که با انگیزه کلامی به معرفت‌شناسی فلسفی صورت پذیرفته است، گرچه ممکن است در ظاهر،

برخی مباحث، بی‌ارتباط با مباحث کلامی باشد؛ اما حقیقت این است که در این موارد، انگیزه‌های کلامی، نقش تعیین‌کننده‌ای در طرح آنها داشته است؛ از این رو، پاسخ گفتن به آنها نیز خارج از این گستره نیست؛ به این معنی که این قسم از انتقادات نیز از اهمیت کلامی برخوردار هستند.

جای تردید نیست که دین اسلام در صدد نشان دادن بشر بر چشمه زلال معرفت است، حال، سؤال این است که آیا معرفت‌شناسی کنونی - که بیشتر متکی بر مبانی فلسفی است - با وجود نقدهای جدی منتقدان، می‌تواند چنین مسئله‌ای را لحاظ معرفت‌شناسی به عهده بگیرد؟

ما سه دغدغه فرعی از قرار زیر است:

- ۱- مفهوم ابزارهایی که در موضوع، نقش کلیدی دارند چیست؟
- ۲- انتقادات منتقدان به نقطه نظرات فلاسفه باب معرفت حقیقی، به کجا می‌انجامد؟
- ۳- انتقادات به تقسیمات مهم در فلسفه، چه خدشه‌ای به این تقسیمات وارد می‌کند؟
- ۴- فرایند درک در فلسفه، اثرات کدام متقدان دستخوش چه تغییراتی می‌شود؟
- ۵- نگرش فلاسفه به امکان دستیابی به معرفت حقیقی با انتقاد منتقدان چه صورت جدیدی به خود می‌گیرد؟
- ۶- نگرش به منابع معرفت در فلسفه، با انتقاد به امکان دستیابی به معرفت حقیقی، چه تغییراتی می‌شود؟
- ۷- گستره کارکرد معرفت فلسفی با انتقاد منتقدان، آیا حدود جدیدی را در دایره شمول قرار می‌دهد؟
- ۸- انتقاد منتقدان به ارزش و معیار معرفت حقیقی در فلسفه، به میزان از اعتبار حقیقی این سنخ معرفت کاهش می‌دهد؟
- ۹- نظر منتقدان درباره شرایط و موانع معرفت حقیقی، چه تصویری از معرفت فلسفی در برابر معرفت حقیقی ایجاد می‌کند؟

فصول این تحقیق در پاسخ به این سؤالات شکل گرفته است.

فرضیه تحقیق

انتقادات قابل اعتنا و جدی در میان انتقادات به معرفت‌شناسی اسلامی وجود دارد که یا باید به آنها پاسخ‌های معتبری داد یا با تجدید نظر در مبانی، معرفت‌شناسی کنونی را از تیررس این انتقادات دور نمود؛ ولی به هر حال، توان انتقادات به حدی نیست که بی‌اعتباری کلی معرفت‌شناسی کنونی را ثابت کند؛ بلکه تنها تنهایی نظریات در برخی مبانی و مسائل را می‌طلبد.

روشن است که معرفت‌شناسی روزآمد و کارآمد، می‌تواند توفیق بیشتری در ترسیم هسته‌های بنیایی به زلال معرفت به دست آورد.

نوآوری و نقدهای تحقیق

این تحقیق از حیث «ارائه مطالب بر اساس تمام ابواب معرفت‌شناسی»، «تنوع طرح انتقادات»، «همه‌جانب توجه به گروه‌های مختلف و هم تنوع طرح انتقادات ایشان»، «ارجاع دقیق در به تصویر کشیدن فضای تضارب آرا»، «توجه به داوری»، «بیان برخی نکات مهم» و «ارائه برخی پیشنهادها در مسائل و موضوعات مطرح‌شده» دارای نوآوری است.

این تحقیق از هر مبنا یا مسئله‌ای که قابل خدشه نیست یا غیرقابل اثبات باشد، به صورت کلی انتقاد می‌کند. براین اساس، تفاوت نمی‌کند که به کسی معتقد به این مبنا باشد، گاه ممکن است مبنا فیلسفی امر دیگر باشد یا حاکم باشد یا اینکه انتقادات منتقدان چنین باشد، در هر صورت، مبنا یا مدرسه یا مسئله نادرست، قابل دفاع نیست.

گذشته از این مسئله، نحله‌های جدی مورد نقد در این تحقیق، از اهل سنت: اشاعره، اهل حدیث و دیدگاه اعتزالی و از دیدگاه شیعی: اخباری‌ها و مکتب تفکیک می‌باشند و جدای از این دو، نقطه نظرات عرفا نیز منعکس شده است. در بین افراد، ابن تیمیه از اهل حدیث، غزالی از اشاعره، محمدامین استرآبادی از اخباری‌ها و میرزامهدی اصفهانی از مکتب تفکیک، به طور جدی

نقد می‌شوند. و در مورد کتاب‌های جدی مورد نقد می‌توان از *درء التعارض العقل و النقل*، *نقض المنطق و الرد علی المنطقیین* از ابن تیمیه، تهافت الفلاسفه از غزالی، *فوائد المندیه* از محمدامین استرآبادی و *ابواب الهدی* از میرزا مهدی اصفهانی نام برد.

ساختار تحقیق

مباحث این نوشتار در ده فصل، سامان یافته است. در فصل نخست، به شناخت برخی از مفاهیم دخیل در موضوع پرداخته شده است. فصل دوم، مرطوب‌ترین انتقادهای، به چیستی معرفت حقیقی است که بعد از بیان نقاط قوت و ضعف هر دو طرف نزاع، روشن گشت، در کل، مبانی نظرات مکتب در این باب قابل خردشناختی‌بانی است. فصل سوم، به ارزیابی انتقادهای پیرامون تقسیمات علم می‌پردازد و انتقادهای مکتب تفکیک و اهل حدیث مطرح و بررسی می‌شود. در فصل چهارم، به انتقادهای فرایند درک در فلسفه توجه شده است که ضمن بررسی انتقادهای مکتب تفکیک و اشاعره، داوری منصفانه‌ای بین نظرات ایشان صورت پذیرفته است. فصل پنجم، بحث از ارزیابی انتقادهای، به امکان معرفت به حقیقت است که انتقادهای اشاعره، ظاهرگرایان، عرفا و مکتب تفکیک درباره عدم دستیابی مبانی فلسفی به حقیقت معرفت بررسی شده است. فصل ششم، درباره ارزیابی انتقادهای، به منابع معرفت است، در آنجا چند منبع معرفتی مورد توجه فلاسفه و به‌خصوص حکمت متعالیه و انتقادهای منتقدان درباره آنها مورد بررسی قرار گرفته است. فصل هفتم، بحث از ارزیابی انتقادهای، درباره ابزار معرفت را دربر دارد که ضمن تبیین نظرهای فلاسفه و اشراق و حکمت متعالیه؛ انتقادهای نحویین، اشاعره، عرفا، اهل حدیث و اخباری و مکتب تفکیک بررسی شده است. فصل هشتم، از ارزیابی انتقادهای، به کارکرد معرفت فلسفی پرده برمی‌دارد. این فصل که معرکه آرای بسیاری می‌باشد و می‌توان آن را جزء مباحث کلیدی تحقیق به حساب آورد، ابتدا نظر فلاسفه مطرح گردیده و در ادامه نظر متکلمین شیعه، اصولیین شیعه، انتقاد اشاعره، اهل

حدیث، اخباری‌ها، عرفا، مکتب تفکیک مورد بررسی و داوری قرار گرفته است. در فصل نهم، بحث از ارزیابی انتقادات، به ارزش معرفت فلسفی است در آنجا انتقادهای به نظریه مطابقت و معیار کشف مطابقت با واقع مورد بررسی و دقت قرار گرفته است. در فصل آخر نیز انتقادهای منتقدان به شرایط و موانع معرفت از دیدگاه فلاسفه مورد بررسی واقع شده و نظرات مکتب تفکیک، اهل حدیث، اخباری‌ها و اهل عرفان در مانع حقیقت‌بودن معارف فلسفی، بررسی و بررسی شده است.

تشکر قدری

در پایان راه عزانی که بنده را در به‌ثمرنشتن این تحقیق یاری نمودند، به‌خصوص دو استاد بزرگوار، حجج اسلام و المسلمین رشاد و خسروپناه «زید عزهما»، تشکر و تقدیر می‌نماید. امیدوارم این اثر ناقابل، در مجموعه سترگ آثار معرفت‌شناختی و تربیتی صاحب نعل جایی داشته و همه آنچه در این راستا صورت تحقیق گرفته، در زمره عبادات و توشه راه آخرت دست‌اندرکاران باشد.